

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر ظاهر تیموری

۲۰ اگست ۲۰۱۳

عملکرد دولت دست نشانده و امپریالیزم امریکا

صفحات تاریخ خلق و توده های میلیونی مردم مرزو بوم ما مملو و حاکی از مبارزات سلحشورانه، جسورانه و شجاعانه باشندگان این سر زمین علیه متجاوزان و غارتگران است. در مقاطع معینی از تاریخ و با ایجاب شرایط لازم همیشه مردم مرز و بوم ما برای دفاع از مادر وطن، تمامیت ارضی و نوامیس ملی به مقابل تجاوزگران و غارتگران به مقابله برخاسته اند. مثال های جاویدانه این مبارزات آزادی خواهانه در مقابل تجاوزگران و اشغالگران که در تاریخ کشور ما به خط سرخ و گلگون تحریر یافته مبارزات خلق و توده های میلیونی مردم ما در مقابل ابر قدرت زمانش امپراتوری انگلیس است که در سال ۱۹۱۹ م به اعلام آزادی بدون قید و شرط کشور تحت قیادت اعلیحضرت امان الله امیر افغان انجامید.

مثال دیگر از مبارزات سلحشورانه، مبارزات خود جوش توده های میلیونی مردم، مبارزات آگاهانه نیروهای مترقی چپ را می توان نام برد که در مقابل سوسیال امپریالیزم روس و دولت دست نشانده اش قد علم کرده و به پا خاستند. در جریان مبارزات آزادیخواهانه علیه روس جهت نجات وطن صدمات عظیمی بر پیکر نیروهای آزادیخواه، افراد وطندوست بالخاصه نیروهای چپ وارد آمد که منجر به قلع و قمع نیروهای چپ توسط سوسیال امپریالیزم و دولت دست نشانده اش گردید.

در این میان نیروهای چپ بهترین و صدیق ترین فرزندان خلق را از دست داد و از طرف دیگر هم هزاران هزار افراد آزادیخواه و توده های مردم که جهت نجات کشور به پا خاسته بودند به خاک و خون کشیده شدند.

در جریان مبارزات آزادیخواهانه علیه سوسیال امپریالیزم روس امپریالیزم جهانی به سردمداری امپریالیزم امریکا جهت منافع آزمندانۀ خود «با آن که ماهیت غارتگرانه امپریالیزم امریکا برای نیروهای انقلابی معلوم بود بعد از تجاوز بر کشور ما این ماهیت اشغالگرانه و غارتگرانه برای تمام مردم ما وضاحت بیشتر یافت» خواستند با کمک های مالی و نظامی، جنگ سالاران و تنظیمی های جهادی خود فروش این دشمنان سوگند خورده خلق ما را بر اریکه قدرت بگمارند و جنبش آزادیخواهانه مردم ما را به کجراهه کشانند که چنین هم کردند.

بعد از بیرون راندن روسها هم دولت نام نهاد مجاهدین و تنظیم های جهادی و هم دولت سیاه قرون و سطانی طالبی در تبنای با امپریالیزم امریکا جهت تأمین منافع خود کشور را به وابستگی کشانده و مرتکب جنایات عظیمی در مقابل ملت و مردم ما شده و باعث قتل عام و آواره شدن ده ها هزار از هموطنان ما از کشور گردیدند. بعد از اشغال مستقیم کشور توسط امپریالیزم امریکا و شرکاء بیشتر از مدت یازده سال بدین سو، دولت دست نشانده امپریالیزم که مرکب از خاینترین و لومین ترین افراد جامعه است برای تأمین منافع خود به چور و چپاول، غارت و قتل عام توده های میلیونی مردم ما دست یازیده و از هیچ کوششی در کشتار مردم ما دریغ نورزیده اند. در چنین شرایطی که روزانه صدها هم وطن ما در کشتارگاه های جلادان امپریالیزم امریکا جان های خود را از دست می دهند و هزاران نفر از مردم ما چه زن، چه مرد و چه کودک تحت خط فقر زندگی جهنمی را سپری می کنند باید به وضاحت بیان داشت که این دولت وابسته و مزدور است. این دولت غیرمردمی است. این دولت فاسد غارتگر و چپاولگر است. بیجا نیست که حال به پرسش های مطروحه پاسخ گفت و کار برد دولت و نقش دولت را به بررسی گرفت.

چرا در شرایط اشغال کنونی در کشور ما مبارزات خود جوش و مسلحانه توده های مردم در مقابل اشغالگران امپریالیستی و دولت دست نشانده تضعیف شده است؟ مگر امپریالیزم امریکا و شرکا بهتر و خوبتر از سوسیال امپریالیزم روس هستند؟ مگر امپریالیزم امریکا و شرکاء چون سوسیال امپریالیزم روس بر کشور ما تجاوز نکرده اند؟ مگر دولت فعلی که مرکب از جنگ سالاران تنظیم های جهادی، تکنوکرات ها و فاسد ترین افراد جامعه است بهتر از دولت دست نشانده روس «خلق و پرچم» است؟

برای این که ماهیت تجاوزکاران، ماهیت دولت پושالی، کاربرد و عملکرد آن واضح گردد، لازم و ضروریست که به نقش دولت و ایفای وظایف آن در جامعه پی برد و این اصل هرگز نباید فراموش گردد که اولاً «دولت محصول و تجلی آشتی ناپذیری تضاد های طبقاتی است» ثانیاً «دولت ارگان سیادت طبقاتی، ارگان ستمگری یک طبقه بر طبقه دیگر و حاکی از (نظمی) است که این ستمگری را با تعدیل تصادمات طبقات، قانونی و استوار می سازد»

بلی! با داشتن چنین درکی از دولت باید فهمید که چه دولت دست نشانده سوسیال امپریالیزم روس «خلق و پرچم» در آن زمان و چه «دولت کرزی» در این زمان که توسط امپریالیزم امریکا به قدرت رسیده، هر کدام آنها ارگان ستمگری طبقات و وابسته به سوسیال امپریالیزم روس و امپریالیزم امریکا بوده و این دولت ها در ماهیت امر ارگان سیادت طبقاتی هستند و از همدیگر هیچ فرقی ندارند. این دولت ها به خاطر تأمین منافع خود و اربابان خود، چه در زمان خلق و پرچم و چه حالا «دولت کرزی»، سیادت و ستمگری خصلت شان بوده، ظلم و ستم را شعار قرار داده، توده های میلیونی مردم را تحت شکنجه قرار داده، زندان ها را مملو از فرزندان خلق نموده، در کشتارگاه ها صدیق ترین افراد جامعه را سلاخی نموده و به خاطر کسب قدرت و تأمین منافع هنوز هم می نمایند. اگر همه این ها تصادم طبقاتی، ستمگری طبقاتی و سیادت بالای جامعه بر مردم نیست، پس چه می توان تعبیرش کرد؟

این دولت ها کشتن و در بند کشیدن توده های مردم را ایجاد نظم در جامعه می دانند. این است ماهیت دولت کنونی. دولت پושالی با تبنای با امپریالیزم امریکا برای تضعیف پایه های جنبش آزادیخواهی و مبارزات خود جوش و مردمی ضد اشغال دست به بمباران سیستماتیک دهات و قصبات کشور زدند که باعث قتل تعداد کثیری از باشندگان این سرزمین شده و تعداد زیادی از دهقانان را از دهات به سوی شهر ها کشانید. آنها با این وحشی گری باعث تلفات مواشی شده و دهات را به مخروبه بدل نمودند و این پالیسی به امید این که نیروی محرکه اجتماعی جنبش آزادی خواهی و ضد اشغال را تضعیف نمایند، هنوز ادامه دارد. علاوه بر آنچه سوسیال امپریالیزم روس و امپریالیزم

امریکا جهت تضعیف هسته های جنبش انقلابی به نابودی نیروهای مبارز، نیروهای چپ به کشتار بهترین فرزندان جامعه ما اقدام ورزیدند، اکنون هم شکار افراد انقلابی در جامعه برای تضعیف نیروی پیشرو جامعه توسط دولت پوشالی ادامه دارد.

از جمله نظرات امپریالستی برای حصول پیروزی در جنگ، تضعیف روحیه عمومی مردم توسط تحمیل درد و رنج بر شهروندان غیر نظامی است. در فقر و شکنجه کشیدن شهروندان یکی از راهکار های است که می خواهند بدان وسیله شهروندان غیر نظامی را به زانو در بیاورند. این راهکار ها و روش های خوف انگیز در جامعه، اعمالی از جمله کشتن مردم، زندانی کردن، شکنجه دادن در زندان ها، عریان نمودن زندانی، اهانت، تحقیر و توهین و قرار دادن زندانی برهنه جلو سگ های تعلیمی «کاری که در زندان های عراق کردند و اکنون در زندان بگرام جریان دارد» را در بر می گیرد. با چنین شوه های اراعب، تهدید و شکنجه می خواهند در جامعه ترس و وحشت خلق نموده، به تضعیف روحیه آزادیخواهی بپردازند. قربانیان این نوع عملیات خوف آور مبتلا به امراض روحی میگردند. از سکوت و تنهائی رنج می برند.

در تمام جنگ های غارتگرانه و حالا هم درجنگ اشغالگرانه و غارتگرانه فعلی در کشور ما، امپریالیزم امریکا و شرکاء جهت بردن سود های کلان به ترویج کشت تریاک در کشور اشغال شده مبادرت می ورزند تا از یک سو سرمایه سرشار و گزافی از فروش آن به دست آورند و از سوی دیگر با رایج کردن و استعمال آن در جامعه، افراد جامعه را علیل و ناکاره بار بیاورند و بدین ترتیب به تضعیف نیروی سالم جامعه بپردازند.

دولت فاشیستی مذهبی ایران با این که خود را علیه امپریالیزم امریکا اعلام می دارد و علیه آن شعار می دهد، با صدور و ارسال افکار متحجرانه که به آن جامعه تقدس پوشانیده، یعنی عقاید ولایت فقیه، این مزخرف ترین عقیده قرون وسطائی، به تطمیع اندیشه سالم مردم و اغفال توده های مردم ما مبادرت می ورزند که بدین صورت مردم ما را به قناعت و قبول اشغال ترغیب می دارند. این هم نوعی از تضعیف نیروهای مردمی در مبارزات آزادی خواهانه است که در زمینه دولت پاکستان نیز نه تنها دست کمی از ایران ندارد، بلکه دهشتناکتر از آن عمل می نماید.

حال می دانید که چه بر مردم و ملت ما روا می دارند، چگونه تلاش به کار می برند تا خلق و مردم ما مبتلا به تریاک و هیروئین گردند، مصاب به امراض روحی شوند، غرق در خرافات قرون وسطائی گردند، در فقر و فاقه زندگی کنند، نان، لباس و سرپناهی نداشته باشند تا روحیه آزادیخواهی در وطن تضعیف گشته و نابود شود.

با به وجود آوردن ترس و اراعب از دستگاه ستمگری و دستگاه های ارتش، پولیس، قضا، زندان، شکنجه، قتل و سرکوب می خواهند ندای آزادیخواهی و مبارزات آزادیخواهی را خفه کنند. این است کاربرد های دولت پوشالی و شیوه های ظلم و ستم دولت پوشالی.

در چنین شرایطی وظیفه بس عظیم، بس خطیر و بس دشوار بر دوش روشنفکران جامعه، به خصوص نیروهای چپ جامعه قرار دارد که با داشتن عشق و علاقه به مردم، با داشتن ایده های نوین و با داشتن تحلیل مشخص از اوضاع اجتماعی کنونی کشور، اولاً به تشکیل سازمان رزمنده و نیروی انقلابی مبادرت ورزند. با داشتن ایده های خلاق نوین به مبارزه علیه دولت دست نشانده و امپریالیزم برخیزند تا بتوانند توده های میلیونی مردم ما را که در ضعف روحیه آزادیخواهی به سر می برند، به همبستگی به مبارزه آزادیخواهانه و استقلال طلبی و مبارزه ضد امپریالستی دعوت نمایند و هم بتوانند جنبش توده های مردم را به ضد استعمار و استثمار رهبری کنند تا باشد کشور

از تحت سیطره اشغالگران و غارتگران رهائی یافته و مردم از فقر و بدبختی که این دولت مسبب آن است خلاص گردند.

گرچه این مبارزه صد ها بار مشکل تر شده، از نیروهای انقلابی چپ فداکاری، پشت کار و تلفات بیشتر می خواهد. مگر با آنهم رسیدن به آزادی و استقلال توسط انقلاب ناممکن نیست و مبارزه با دولت کنونی جدا از مبارزه با امپریالیزم نیست. به امید پیروزی !